

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتیوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش شصت و هشتم

۱۵ جنوری ۲۰۱۵

پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی درهم شکستن مداخله یوگوسلاوی و فعالیت خصمانه کوچی جوجی

پس از آن که اغراض خصمانه رویزونیست های یوگوسلاوی فاش شد می بایست مناسبات اقتصادی و سیاسی میان البانی و یوگوسلاوی، چه از حیث روح و چه از حیث مضمون مشخص خود، از هرگونه عنصر استثمار و انقیاد پاک شود. پس حزب کمونیست البانی خواستار شد که کلیه قرار داد ها به استثنای پیمان دوستی، همکاری و کمک متقابل مورد تجدید نظر قرار گیرد، و چون رهبری یوگوسلاوی توجهی به این خواست عادلانه نشان نداد دولت البانی به ناچار قرارداد های اقتصادی منعقد بین دو کشور را ملغی و باطل اعلام داشت.

در سپتمبر ۱۹۴۸ یازدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی تشکیل شد تا مداخله یوگوسلاوی و انحرافات در مشی سیاسی و سازمانی حزب را یکبارہ بر اندازد. آن عده از اعضاء و نامزد های کمیته مرکزی نیز که در پلنوم هشتم به ناحق اخراج شده بودند، در این پلنوم شرکت جستند.

پلنوم یازدهم مشی سیاسی و فعالیت حزب را وسیعاً تحلیل کرد، علل اشتباهات را فاش ساخت و تدابیری را که لازمه شرایط تاریخی نوین بود به دست داد.

پلنوم مشی سیاسی حزب را از آغاز تأسیس صحیح دانست. آن موارد انحرافی که پس از رهائی البانی به ظهور رسیده معلول مداخله یوگوسلاوی بوده است. این مداخله و فعالیت ترسکیستی کوچی جوجی بود که در دوران پس از جنگ، مشی سازمانی حزب را در مجموع خود نادرست گردانید.

تصمیمات عمده پلنوم دوم و کلیه تصمیمات پلنوم هشتم، ضد مارکسیست، زیان آور و بالنتیجه محکوم و بی اعتبار اعلام شد.

پلنوم در باره مناسبات حزب و دولت البانی با حزب و دولت یوگوسلاوی تعمق بسیار رواداشت. اغراض ناسیونالیستی-شونیستی و استعماری رویزونیست های یوگوسلاوی را نسبت به جمهوری توده ئی البانی شدیداً فاش ساخت. از طرف

دیگر کمیته مرکزی به مناسبت اعتماد مفرطی که به رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی نشان داده بود از خود انتقاد کرد.

پلنوم نادرست تشخیص داد که اکنون که حزب به صورت رهبر قدرت دولتی در آمده است باز هم در وضع نیمه مخفی باشد. این که برنامه حزب در زیر برنامه جبهه دموکراتیک مخفی شده بود، این که اعضای حزب عضویت خود را پنهان می داشتند و رهنمود های حزب به عنوان تصمیمات جبهه دموکراتیک اعلام می گشت، خطای بزرگی تشخیص داده شد. این روش ها که از حزب کمونیست یوگوسلاوی اقتباس شده بود نقش رهبری حزب را در همه جوانب زندگی کشور تضعیف می کرد و به اضمحلال آن می انجامید.

فقدان اساسنامه که به رخنه غیر مجاز شیوه ها و کردار های ضد مارکسیستی رهبری یوگوسلاوی در حزب کمونیست البانی امکان داده بود زیانمند دانسته شد و ضرورت تنظیم چنین سند اساسی مطرح گردید.

پلنوم برای کوچی کوچی که از تیتویست ها بدون قید و شرط پشتیبانی کرده و مشی سازمانی حزب را منحرف ساخته بود مسوولیت سنگینی قائل شد. کوچی کوچی که هم دبیر تشکیلات حزب و هم وزیر کشور بود از مقامات دو گانه خود استقاده کرده بود تا حزب را به زیر نظارت ارگان های امنیت دولتی در آورد و شیوه های رهبری پولیسی در آن برقرار گرداند. این امر موجب نقض فاحش مرکزیت دموکراتیک و خاموش ساختن انتقاد و انتقاد از خود اصولی شد. دیگر ارگان های رهبری حزب انتخاب نمی شدند بلکه از بالا منصوب می گشتند و در برابر توده کمونیست ها برارگان های رهبری وجود نداشت. در بسیاری از موارد حقوق اعضای حزب لگد مال می شد. انضباط بیشتر مکانیکی بود نه آگاهانه، رهبری جمعی حزب جای خود را به رهنمود ها و دستور های فردی داده بود.

اشتباهات و عیوب در رفتار نسبت به کادر ها به ظهور رسیده بود. سکتاریسم، محلی گری و رفیق بازی تسلط داشت. به کادر ها با این نظر که گنجینه گرانقدر حزب اند نگاه نمی شد. امر آموزش و افزایش شایستگی های آنها عملاً به کلی فرو گذار گشته بود. همه کادر های سابقه دار و شایسته و ذینفوذ در دستگاه مرکزی کار می کردند و حال آن که ارگان های محلی حزب و دولت خیلی تضعیف شده بودند.

این وضع وخیم در سراسر زندگی حزب تأثیر بسیار گذاشته بود. کوچی کوچی به عنوان وزیر کشور در موارد بسیار به نقض قانونیت سوسیالیستی و حقوق دموکراتیک زحمتکشان میدان داده بود. ارگان های وزارت کشور و به ویژه ارگانهای امنیت دولتی به صورت ارگان هائی با قدرت مطلقه و معاف از هرگونه نظارت در آمده بودند با اعمال خودسرانه و زیانمند خویش روز به روز بیشتر از خلق جدا می شدند.

ارگان های حزب و دولت در مواردی روش سیاسی اشتباه آمیز نسبت به خرده بورژوازی میهن پرست و قشر روشنفکران اتخاذ کرده بودند. تصامیم اقتصادی شدیدی از طریق اداری به منظور بر انداختن بازرگانان کوچک گرفته شده بود که نابه هنگام بود. میهن پرستان برخاسته از قشر های متوسط شهر و ده که تحت رهبری حزب برای رهائی میهن جنگیده بودند به طور ظالمانه ای دشمن قلمداد می شدند. جمع کثیری از روشنفکران به مناسبت فعالیت خصمانه عناصر انگشت شمار روشنفکر به ناحق در معرض تعدی قرار داشتند.

این اشتباهات نتایج بسیار وخیمی به بار می آورد که در توده های مردم باعث عدم اعتماد می شد و پیوند حزب را با آنها و یا جبهه دموکراتیک سست می کرد.

پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی به همه این انحرافات و اشتباهاتی که در مشی سیاسی و سازمانی حزب به ظهور رسیده بود پایان داد.

پلنوم به رفیق ناکواسپیرو به مثابه عضو مجاهد حزب اعاده حیثیت کرد و درباره کوچی کوچی، پاندی کریستو و چند عضو دیگر از گروه فراکسیون نیست تنبیه قائل گردید. تصمیم گرفته شد که کلیه کسانی که بنابر سمت گیری پلنوم هشتم به

مقامات رهبری حزب و ادارات دولتی رسیده بودند به پست های سابق خود باز گردند. کلیه کسانی که که در معرض تنبیهات ناحق قرار گرفته بودند تیرئه و دوباره به مشاغل قبلی خویش گمارده شدند. اعضای که با نقض مقررات حزبی اخراج گشته بودند، دوباره به حزب پذیرفته شدند.

پلنوم یازدهم مجدداً تأکید کرد که مصمم است در آینده نیز سیاست دوستی و همکاری نزدیک برادرانه با اتحاد شوروی و حزب بلشویک را که تحت رهبری سنالین در رأس اردوی سوسیالیستی و نهضت کارگری انقلابی دموکراتیک و ضد امپریالیستی جهان قرار دارند، دنبال کند. حزب وظیفه داشت که تجربه ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی را بررسی کند و آن را به شیوه خلاق در شرایط البانی به کار بندد.

سازمان های حزب موظف شدند که به کار وسیع تبلیغاتی دست بزنند تا به توده های زحمتکش بفهمانند که امپریالیست های امریکائی و انگلیس، دشمنان اصلی جمهوری توده ئی البانی و تمام بشریت اند، تا خیانت رهبری رویونیست یوگوسلاوی، و در رأس آن تیتو، را نسبت به مارکسیسم-لنینیسم و اردوی سوسیالیستی و همچنین فعالیت خصمانه وی را به ضد حزب کمونیست البانی و جمهوری توده ئی البانی توضیح دهند.

به منظور آن که ساختمان سوسیالیسم به خوبی به سر انجام برسد حزب می بایست موظف باشد که توده های خلق را برای اجرای برنامه دولتی تجهیز کند، اقتصاد کشور را نیرو بخشد و سطح زندگی زحمتکشان را ارتقاء دهد، اتحاد طبقه کارگر و دهقانان تهیدست و میانه حال را تحکیم کند و طبقات استتمار گر را بر اندازد.

برای آن که حزب بتواند رسالت تاریخی خود را ایفاء کند ضروری بود که پرورش سیاسی و ایدئولوژیک بر پایه های استوارتری سازمان داده شود.

« به منظور پیشرفت درک و هضم مبادی مارکسیسم-لنینیسم، و تقویت آگاهی کمونیستی... و شناساندن قوانین تکامل اقتصادی و اجتماعی»،

هیأت سیاسی مأموریت یافت که

«مطالعه علمی واقعیت کشور ما را از دیدگاه مارکسیستی لنینیستی سازمان دهد تا حزب را در مورد وضع و تکامل مبارزه طبقاتی در نزد ما، در مورد تحولات نیروهای طبقاتی و شرایط مشخص گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم روشن گرداند»^۱.

پلنوم تصمیم گرفت که انتشار « زری ای پوپو لیت» ارکان کمیته مرکزی حزب از سر گرفته شود.

برای عادی ساختن زندگی حزب کمونیست البانی تصمیم گرفته شد که وجود او بیدرنگ قانونی گردد، از نخستین کنگره دعوت به عمل آید و اصول مارکسیستی-لنینیستی در مورد تشکیلات به موقع اجراء گذاشته شود.

پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی آغاز چرخش بسیار نمایانی در زندگی حزب بود و اهمیت عظیم در سر نوشت کشور داشت. پلنوم یازدهم وحدت در رهبری را بر قرار ساخت و حیثیت حزب را بسی بالا برد. تصمیمات پلنوم که برای نخستین بار در مطبوعات چاپ شد کلیه سازمان های حزب را از سرگیجه بیرون کشید و به حرکت در آورد ابتکار و جرأت کمونیست ها را بر انگیخت و اعتماد آنان را به نیروی خویش افزایش داد.

اشتباهات و نوسانات منفردی که به عنوان نتیجه منطقی گذار حزب از وضع وخیم به وضع تازه اعتلای انقلابی به ظهور رسید در اثر مداخلات کمیته مرکزی رفع شد.

حزب که قطعنامه پلنوم یازدهم را مورد بررسی قرارداد به وقایع و اسناد متعددی برخورد که پرتو تازه ای بر فعالیت خصمانه رویونیست های یوگوسلاوی می افکند و خطاهای کوچی جوجی، پاندی کریستو و همکاران نزدیک آنها را وخیم تر می ساخت. از سوی دیگر کوچی جوجی ویاندی کریستو در انتقاد از خودی که در برابر جلسه حزب در تیرانا

^۱ - قطعنامه پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی، اسناد عمده حزب کار البانی. جلد اول صفحه ۳۹۷

و کورچا ایراد کردند به جای آن که علل عمیق واقعی اشتباهات خویش را فاش سازند و از این راه به کلیه سازمان های حزب در رفع اشتباهات یاری رسانند در صدد فریب حزب بر آمدند و به این طریق نشان دادند که به هیچ وجه از راهی که رفته اند و از لطمات بزرگی که بر آرمان حزب و خلق البانی وارد آورده اند، پشیمان نیستند. پس ضروری بود که از مسؤلیت آنها در برابر حزب و خلق در پرتو اسناد جدید ارزیابی تازه ای به عمل آید.

تصمیمات گوناگونی گرفته شد تا نفوذ رویزیو نیست های یوگوسلاوی از بخش سوسیالیستی اقتصاد و از جبهه مبارزه طبقاتی برافتد. قانون سابق مالیات بهره برداری کشاورزی که به سود کولاکان بود و ثروتمند شدن آنها را میسر می گردانید تغییر یافت. قانون جدید به کمک دهقانان تهیدست آمد و رشد عناصر سرمایه دار را در روستا محدود ساخت. قوانین جدید نیز وضع شد که رشد اقتصادی روستا را در راه سوسیالیسم تنظیم و ترغیب می کرد.

برای کئوپرا تپوهای کشاورزی اساسنامه جدیدی تدوین شد تا عناصر کئوپراسیون سرمایه داری که در اساسنامه سابق با اقتباس از رویزیونیست های یوگوسلاوی وجود داشت، حذف گردد. اساسنامه جدید، توزیع عواید برحسب مساحت زمین را کنار گذاشت و سهم در آمد هر دهقان را فقط بر پایه محاسبه کار او مبتنی ساخت و تعداد دام های مولد و مساحت قطعه زمین شخصی هر دهقان کئوپراتیوی را محدود کرد. دولت توجه بیشتری به سازماندهی و پیش برد امور کئوپراتیوهای کشاورزی معطوف داشت و این نظریه اشتباه آمیز را به کلی به دور افکند که چون کئو پراتیوهای کشاورزی سازمان توده ئی هستند دولت نباید در اداره امور آنها مداخله کند.

در این دوره حزب و زحمتکشان تمام توجه خود را بر روی تدارک نخستین کنگره حزب کمونیست البانی متمرکز ساخته بودند. توده های زحمتکش کوشش خویش را در کار خلاق دو چند آن کردند تا آن که برنامه اقتصادی را تا موقع کنگره به انجام رسانند. شور و شوق انقلابی خلق به حزب یاری بسیار داد که تدارک کنگره را در سطحی عالی عملی سازد.

ادامه دارد...